

جنگ های «کوچک» قدرت های بزرگ

دول آمریکا و انگلیس از جنگ «کوچک» بر علیه عراق آرزوهای بزرگ و امیدهای زیادی داشتند. اما از این طریق نه تنها دست القاعده را در گسترش عملیات انتشاری باز کذاشتند بلکه خود آنها نیز در باتلاق بزرگی گرفتار شدند. پیرامون مداخله مسحانه برومنزی Wellington Düük، در انتقاد از سیاست «شاهین ها» به آنها هشدار داده بود «قدرت های بزرگ نمی توانند جنگ های «کوچک» بکنند». انگیزه وی از بر زبان آوردن این سخنان این بود که تصور جنگ های کوچک، می تواند خسارات بزرگی بر قدرت های بزرگ وارد سازد. وی شاهد بود که یک جنگ کوچک در اسپانیا چه بر سر ناپلئون آورد. هم اکنون جنگ عراق بی شباهت به جنگهای دهقانی در سال ۱۸۹۹ و یا بحران کanal سوئز در سال ۱۹۵۶ نمی باشد که بیش از هر چیز ضرر و زیان را نصیب این کشور می سازد.

اشغال عراق به تقویت القاعده انجامید

بنظر می آید که جنگ عراق قبل از همه به نفع القاعده تمام شده است. بطوری که نسبت به قبل از جنگ در سال ۲۰۰۳، میزان فعالین و طرفداران آن به مراتب بیشتر شده است. این در حالی است که آمریکا با حمله به عراق می خواست نشان دهد که قدرت مطلق در جهان است ولی عملاً بی قدرتی خود را نمایش گذاشت. هم اکنون حضور ۱۳۵ هزار سرباز آمریکایی در عراق به منظور کنترل این کشور هیچ کارآیی ندارد و هر روز تعدادی از آنها کشته می شوند.

نمونه گسترده‌گی عملیات انتشاری که در عراق دیده شده و همچنان ادامه دارد، در هیچ کجا در دنیا تاکنون دیده نشده است. جوانان مسلمان در گذشته برای مقابله با دشمنان خود به این وسعت به عملیات انتشاری متولّ نمی شدند. فقط طی یک روز در همین ماه در عراق ۱۲ مورد عملیات انتشاری صورت گرفت. در سال گذشته ۵۰۰ مورد عملیات انتشاری در این کشور انجام گرفته است. دامنه این کارزار اکنون به مصر و انگلستان هم کشیده شده است. جنگ عراق به رادیکالیزه شدن بخش قابل توجهی از مسلمانان دنیا منجر گشت. هم اکنون خیلی از افرادی که به عملیات انتشاری در عراق دست می زنند، عراقي نیستند. بی سبب نیست که اظهارات تونی بلر و جک استرو پیرامون انکار رابطه انفجارات لندن با جنگ عراق را کسی باور نمی کند.

عملیات انتشاری نتیجه منطقی اشغال عراق

در پی دستگیری ۳۰۰ نفر سوری که برای انجام عملیات انتشاری عازم عراق بودند و بازجویی که از آنان به عمل آمد، معلوم گردید که این عده قبیل از شروع جنگ عراق در سال ۲۰۰۳ نه با القاعده و نه با سازمان دیگری ارتباطی نداشتند. عاملی که سبب شده تا آنها اقدام به این کار نمایند فقط و فقط اشغال عراق می باشد. حکومت عربستان سعودی و کارشناسان این کشور که در آمریکا آموختند دیده اند معتقدند ۳۶ نفر از تبعه این کشور نیز با همان انگیزه دست به عملیات انتشاری زده اند. اسرائیل در بازجویی هایی که از ۱۵۴ خارجی داوطلب عملیات انتشاری به عمل آورده، به این نتیجه رسیده است که رادیکالیسم آنان نیز در ارتباط مستقیم با جنگ عراق می باشد. قبل از اشغال عراق، تاکتیک عملیات انتشاری در ابعاد محدودی به کار گرفته می شد، ولی پس از آن، این تاکتیک به صورت سمبول گروه های مسلمان در سراسر دنیا در آمده است. در حال حاضر در نتیجه این عملیات انتشاری، زندگی در عراق فلچ کشته است. من پس از اشغال عراق اغلب اوقات در این کشور بسر برده ام و معتقدم هیچگاه به اندازه شرایط فعلی، زندگی در این کشور مخاطره آمیز نبوده است. بعضی از مراکز بارها هدف حمله قرار می گیرند. برای نمونه el Muthana، محلی که برای سربازگیری در ارتش عراق ثبت نام به عمل می آید، ۸ بار تاکنون مورد حمله قرار گرفته است که در آخرین مورد، ۸ نفر کشته شدند. این محل در قلب بغداد قرار دارد.

شهر بخاره تدابیر شدید امنیتی به جهنم واقعی تبدیل شده است

شیشه های اطاقم در هتلی که در آن اقامتم دارم، بر اثر انفجارها به لرزه درمی آید. بعضی اوقات حتی فکر می

کنم که ممکن است شیشه ها بشکند و در پناه دیواری قرار می گیرم. هتل خیلی خوب محافظت می شود. نیروهای امنیتی در جوار هتل همواره اسلحه به دست در حال گشت زدن می باشند و در صدد پیدا کردن بمب می باشند. به محض اینکه ببینند کسی با خود بمبی حمل می کند، فقط ۲ ثانیه فرصت دارند تا حامل بمب را از ناحیه سر هدف قرار دهند و او را از پای درآورند.

چهره شهر بر اثر اتخاذ تدابیر شدید امنیتی در مقابله با عاملین عملیات انتحاری کاملاً عوض شده است. مرکز نظامی نیروهای آمریکایی و عراقی با دیواری از سپرهای بتونی و... احاطه شده است و اینگونه سپرهای رفتہ به همه نقاط شهر بسط داده می شود. این موضع که به هر کدام از آنها نیز یکی از اسامی ایالت های آمریکا داده شده، باعث مسدود شدن خیابان ها گشته اند و این احساس به انسان دست می دهد که شهر در حال خفه شدن است. علیرغم تمام اخبار و گزارشات روزنامه ها و کanal های تلویزیون، رسانه های خارجی قادر نیستند هرج و مر ج روزانه در عراق را منعکس کنند.

آخرین باری که به غرب بغداد رفته بودم، بر اثر تیراندازی بی هدف مجبور شدم توقف کنم. سپس فهمیدم که اینها نیروهای کماندویی پلیس ۱۲۰۰۰ نفره عراق هستند. تابوتی را که پرچم عراق به دور آن پیچیده شده بود، حمل می کردند. در این تابوت جسد یکی از مسئولین نیروهای پلیس قرار داشت. آنها در حالی که می خواستند راه خود را باز کنند، به اطراف خود بی هدف تیراندازی می کردند. راننده ها با مشاهده این صحنه بلاfacسله خودروها را نگه داشتند. نیروهای کماندویی اغلب اوقات بدون علت انسان ها را بازداشت می کنند و بعداً جسد های شکنجه شده آنها در زباله دانی ها پیدا می شود.

اظهارات بی پایه

نیروهای حکومتی که به ندرت می توانند از منطقه سیز بیرون بیایند، در مواردی اظهاراتی می کنند دال بر اینکه نشانه هایی وجود دارد که زندگی روند عادی خود را از سر می گیرد. روز گذشته در یک روزنامه طرفدار حکومت، پیرامون بازسازی مقاله ای نوشته شد. در بالای صفحه ای که در آن مقاله چاپ شده است، صحنه ای از ساختمان سازی و یک جرثقیل در حال کار کردن دیده می شود. ولی در بغداد امکان ندارد کسی جرثقیلی را در حال کار کردن ببیند. جرثقیلی که عکس آن در این روزنامه چاپ شده است، مربوط به دوره صدام حسین می باشد که آن موقع در حال ساختن یک مسجد از آن استفاده می شده است. این دستگاه سال هاست که بلااستفاده مانده و زنگ زده است.

شعار جدید دولتمردان انگلیس و آمریکا «حفظ مواضع» می باشد. این شعار ممکن است برای مردمان این دو کشور برد تبلیغاتی داشته باشد ولی سردمداران این حکومت ها به خوبی می دانند که در عراق موضعی برای لندن و واشنگتن نمانده است که در صدد حفظ آن باشند. آنها در حقیقت در حال زیگزاگ زدن هستند. سرنوشت عراق در آینده برای مورخان تکرار ویتنام خواهد شد و یک بار دیگر حقانیت گفته Dük را به اثبات خواهد رساند.

سران آمریکا و انگلیس در سال ۲۰۰۳ و آنmod کردن عراق قدرت بزرگی است که امنیت منطقه و همسایگان خود را به خطر می اندازد. اما خودشان می دانستند که این ادعا واقعیت ندارد. به همین خاطر فکر می کردند که به زودی به هدف خود می رسند. آنها در سال ۲۰۰۵ می بینند که در عراق افرادی وجود دارند که خطر آنها به مراتب از صدام حسین بیشتر است. آنان درگیر جنگی شده اند که پیشاپیش آن را باخته اند.

Patrick Cockburn – روزنامه ایندیپندنت